

په نام خدا - فلسفه یک‌زدهم - درس دوم - رشته وسایه‌های فلسفه

بررسی تعلانایی انسان در نااخته

۱- معرفت‌نیازی  $\leftarrow$  بررسی اینکه نااخته ممکن است

امکان نااخته

بررسی اینزایی‌های نااخته

۲- هستی‌نیازی  $\leftarrow$  بررسی اصل و حقیقت وجود

بررسی احکام و قوانین مربوط به حقیقت؟

مثال  $\leftarrow$  آیا در کل هستی قانون خلیت حیاتی است؟

نکته  $\leftarrow$  انسان باید اینجا بررسی کند که آیا قادر به نااخته جان هست

سپس به بررسی و نااخته هستی پردازد

لیکن معرفت به وجود فرع بر امکان نااخته است

اگر قوانین بنیادی وجود نیازی را به علوم مختلف

سرانجام دهیم و یخواهیم مسائل بنیادی علم را

بررسی کنیم باز هم کاری فلسفی کردیم

ساختهای فلسفه

هر علمی ساختهای از فلسفه را در خود دارد و مسائل

بنیادین عقلی بهمان علم درین بخش بررسی می‌شود

فلسفه‌های مضاف

به علوم

این بخش (از هر علم) بررسی مسائل فلسفی بهمان علم

را بررسی می‌کند  $\leftarrow$  فلسفه‌های مضاف بهمان علم است

نکته ۱  $\leftarrow$  بررسی قوانین عقلی و مسائل فلسفی یک محدوده خاص (از وجود) ما را وارد می‌کنند فلسفه‌های مضاف می‌کند.

نکته ۲  $\leftarrow$  قوانین کلی پیرقه شده در فلسفه اولی واختلاف در این قوانین حتی می‌تواند در فلسفه‌های مضاف به علوم هم تأثیر بگذارد و مسیر حرکت داستان را تغییر دهد.

(ماتریونهای صفحه بعد)

## تأثیر مسایل فلسفی در علوم مختلف

(-) جهان حسی دویعی است مادی و غیرمادی  $\rightarrow$  این مسئله در فلسفه اولی نظرخواست

$\hookrightarrow$  اعتقاد به این مفهوم در انسان شناسی فلسفی مورخ است

$\hookrightarrow$  یعنی کسی که حرف اول را بینزید انسان را هم دویعی می‌داند

$\hookrightarrow$  روانشناسی که انسان را دویعی به اند قطعاً تأثیر

بیعه غیرمادی را بر رفتار و تربیت انسانی راقیبل خواهد کرد

۲- در تک اجتماع فرد اصل است یا جامعه  $\rightarrow$  این مسئله در فلسفه ای علوم اجتماعی نظرخواست

$\hookrightarrow$  در این موردین فلسفه ای اختلاف تظر وجود دارد

$\hookrightarrow$  گروهی احوالات فرد را قبل دارند

گروهی هم معتقد به احوالات اجتماع و جامعه هستند

معتقدین به احوالات فرد  $\rightarrow$  جامعه، مجموعه افراد است و بیرون افراد جامعه مفهودندارند  
معتقدین به احوالات اجتماع  $\rightarrow$  افراد نفس و هویت مستقل تهارند

$\hookrightarrow$  افلا روانشیه و چشم تیری افراد تابع سر از ط

اجماع است

احوالات فردی ها  $\rightarrow$  منافع افراد را مقدم بر منافع جامعه می‌دانند

$\hookrightarrow$  در برنامه ریزی های فرهنگی و اقتصادی  $\rightarrow$  به منافع افراد توجه دارند

$\hookrightarrow$  در سیاست  $\leftarrow$  معتقد به لیبرالیسم هستند

$\hookrightarrow$  تامین کننده آزاری های فردی

احوالات اجتماعی ها  $\rightarrow$  منافع بجمع را اولویت می‌دهند

$\hookrightarrow$  در سیاست  $\rightarrow$  معتقد به سوسیالیسم هستند

$\hookrightarrow$  تامین کننده منافع فردی

معتقدین به احوالات هردو  $\rightarrow$  افراد تحت تأثیر عوامل اجتماعی و تأثیرگذار بر جامعه هستند

معتقدین به احوالات فرد و جامع

کے افراد قدرت تأثیر بر جامعه و تغییر آن را دارند

کے افراد قدرت اختصار و تقسیم گیری دارند

کے اما از جامعه هم تأثیر می پذیرند

گردآمدن افراد کنا هم کے روح جمی راستگلیل می دهد

کے که بی افراد تأثیر می کنند

و افراد مل تابع و پرستی ها و ساختار جامعه کنند

پس هم فرد اصلی است و هم جامع

یک نکته حائزه ای ← داسیگریان رشته علوم تربیتی در فلسفه تعلیم و تربیت

متوجه مسونه که مکاتب مختلف تربیتی سُرپریز تحت تأثیر اندیشه ای فلسفه

فلیسوفان هستند ← مثل افلاطون، ارسطو و ابن سينا که در حقیقت ناسی

معتقد به بعده ماوراء طبیعت و غیر ماری هستند و انسان را در ویژگی های راسته

ملکت های تربیتی همکام با همین دیدگاه را پیریده اند که با ملکت های

تربیتی پیرو مارکس و کانت متفاوت هستند.

نکته آخر ← هر علمی (چه علوم تجربی و چه علوم انسانی) دارای یک سری مسائل

عقلی و بنیادین هستند که در فلسفه ای همان علم مورد بررسی قرار می گیرند

مسائل عقلانی داخل علم گشت تأثیر رشیه و اساس همودیعني فلسفه اولی هستند

یعنی نظرات فلیسوفان در فلسفه اولی سُرپریز بر جای مسائل بنیادین داخل علم تأثیرگذار هستند.

پس فلسفه های مضاد این فلسفه اولی نشأت می گیرند و داشت های خاص را پیریده اند

که وجود ناس و معرفت ناسی ← فلسفه های مضاد به علم ← علم خاص